

## حکومت و ولایت فقیه

نگاهی گذرا به رساله «ولایت فقیه» آیت الله سید مصطفی خمینی

ابوالقاسم کریمی  
عبدالحسن مسلمی

### ۱. پیشینه بحث ولایت فقیه در نهضت امام خمینی

یکی از مهم‌ترین اقدامات راهبردی تئوریک در عرصه مبارزات انقلاب اسلامی، طرح مبسوط موضوع «ولایت فقیه» توسط امام خمینی (س) است. رهبر کبیر انقلاب اسلامی در بهمن‌ماه ۱۳۴۸ شمسی، در ضمن مباحث فقهی خود، به طور تفصیلی وارد موضوع «ولایت فقیه» شد.<sup>۱</sup> سلسله درس‌های ایشان به همت برخی از شاگردان، ضبط، پیاده‌سازی، تدوین، تکثیر و در سطحی وسیع توزیع گردید.<sup>۲</sup>

۱. برای اطلاع از جزئیات مربوط به تدوین و توزیع درس ولایت فقیه رک: سید حمید روحانی، نهضت امام خمینی، دفتر دوم، ص ۷۳۰.

۲. آن گونه که در خاطرات روحانیون مبارز حاضر در نجف آمده است، ضبط این درس به امر شخص امام (بر خلاف رویه معمول ایشان) انجام گرفته که این مسئله نشان از اهتمام ویژه امام نسبت به نشر محتوای درس دارد. آقایان سید حمید روحانی و سید هادی موسوی گیلانی (و برخی دیگر از روحانیون مبارز)، در ضبط و تدوین این درس نقش محوری داشته‌اند. این درس ابتدا به صورت درس‌نامه‌های مجزا تکثیر و توزیع شد و بعداً به صورت یک کتاب مستقل و با عنوان *نامه‌ای از امام موسوی کاشف‌القطاء منتشر و توزیع گردید.*





یکی از مهم‌ترین اقدامات راهبردی  
تئوریک در عرصه مبارزات انقلاب  
اسلامی، طرح مبسوط موضوع «ولایت  
فقیه» توسط امام خمینی (س) است

انتشار درس‌نامه «ولایت فقیه» تحرک  
پردامنه‌ای را در میان مبارزان مسلمان  
پدید آورد و برای نخستین بار، نسخه‌ای  
ایجابی برای نظام جایگزین ارایه کرد و از

این منظر، آن را می‌توان نقطه عطف مبارزات نهضت امام بر شمرد؛ چرا که در این  
مباحث، همزمان به براندازی حکومت پهلوی و تأسیس یک نظام جدید پرداخته  
شده بود که این موضوع، تأسیس حکومت دینی با نظارت ولی فقیه را به عنوان یک  
«آرمان مبارزاتی» وارد ادبیات مبارزه می‌کرد.<sup>۱</sup>

اگرچه همزمان برخی جریان‌های به‌ظاهر ملی-مذهبی، نه تنها تحرک خاصی در  
این زمینه انجام ندادند، بلکه در جهت سانسور مسئله حکومت اسلامی اقدام کردند،<sup>۲</sup>  
اما با وجود این گروه‌های فراوانی به هواداری از حکومت اسلامی به میدان آمدند  
و مسئله «حکومت دینی» در سال‌های آغازین دهه پنجاه به یک گفتمان فراگیر در  
میان مبارزان و فعالان نهضت امام خمینی مبدل گشت و ثمرات فکری-مبارزاتی  
فراوان به دنبال داشت.<sup>۳</sup>

تأمل پیرامون حکومت دینی و لوازم آن، از سابقه‌ای تاریخی به موازات  
نهضت اسلامی برخوردار است و به تحقیق می‌توان ادعا کرد که قانون اساسی  
جمهوری اسلامی ایران، محصول همین تأملات تئوریک است. بنابراین بر خلاف

۱. مجموعه دروس ولایت فقیه شامل ۱۲ درس بود که هر دو درس در یک جزوه و مجموعاً در شش  
درس‌نامه، تدوین و منتشر گردید. از این میان، سه درس‌نامه برای توزیع در مراسم باشکوه حج، آماده و ارسال  
گردید. برای اطلاع تفصیلی از حواشی مربوط به انتشار دروس ولایت فقیه و بازتاب‌های آن در داخل و خارج  
از ایران، رک: سید حمید روحانی، همان، ص ۷۱۲-۵۵۵.

۲. حجت‌الاسلام سید حمید روحانی از اعضای اصلی تدوین‌کننده جزوات ولایت فقیه امام و تاریخ‌نگار  
انقلاب اسلامی، در مورد برخورد سرد و بی‌اعتنایی اعضای نهضت آزادی و جبهه ملی و... با مقوله حکومت  
اسلامی، نکات نابی را بیان کرده است. برای نمونه وی درباره عملکرد قطب‌زاده، بنی‌صدر و ابراهیم یزدی  
چنین اشاره می‌کند: «اینجا بود که بنی‌صدر، قطب‌زاده و یزدی در کنار کمونیست‌ها و مادی‌گراها قرار گرفتند  
و اتحاد نامقدسی علیه حکومت اسلامی امام تشکیل دادند و توطئه سکوت عوامل شرق و غرب در برابر این  
طرح به صورت زشت و ناموزونی جلوه پیدا کرد و روشن ساخت که فرزندان مصدق، لنین و ماتو، از حکومت  
اسلامی و ولایت فقیه، تا چه پایه‌ای وحشت دارند و گریزانند؛ و امروز وقتی «خبرنامه» بنی‌صدر - قطب‌زاده و  
«پیام مجاهد» یزدی - قطب‌زاده را ورق می‌زنیم و جریاناتی را که در آن روز و روزگار در این نشریه‌ها منعکس  
شده است، می‌خوانیم، درمی‌یابیم که آنچه هرگز در این نشریه‌ها حتی به صورت یک خبر منعکس نشده  
است، طرح حکومت اسلامی امام در نجف اشرف است!» رک: سید حمید روحانی، همان، ص ۷۳۵.

۳. برای اطلاع از اثرمندی گفتمان «حکومت دینی» و فراگیری آن رک: سید حمید روحانی، همان، دفتر  
چهارم، ص ۴۵۳-۱۳۱.

رهبر کبیر انقلاب اسلامی در  
بهمن ماه ۱۳۴۸ شمسی، در ضمن  
مباحث فقهی خود، به طور تفصیلی  
وارد موضوع «ولایت فقیه» شد

مدعاهای برخی از غرب گرایان،<sup>۱</sup> «جمهوری  
اسلامی» چیزی نیست که محصول القائات  
یک گروه، جریان یا شخص خاص - آن هم  
در شش ماهه منتهی به پیروزی (دوران

پاریس) - باشد، بلکه نتیجه یک فرآیند فکری طولانی به موازات مبارزات مردمی  
است. در این میان نقش بزرگانی مانند آیات ربانی شیرازی، شهید مطهری، شهید  
بهشتی، مصباح یزدی در داخل ایران و نیز برخی شخصیت‌های ساکن در خارج از  
ایران مانند آیات سید محمدباقر صدر و سید مصطفی خمینی را نباید و نمی‌توان  
نادیده گرفت.

بعد از انتشار جزوه‌های ولایت فقیه، و پس از دعوت امام از جامعه نخبگانی برای  
تأمل پیرامون ابعاد حکومت دینی، موضوع تعیین نوعی حکومت در محافل حوزوی  
مبارزاتی به طور جدی مورد مباحثه و مذاقه علمی قرار گرفت و یکی از خروجی‌های  
این سلسله مباحثات، نگارش رساله‌هایی در باب «ولایت فقیه» بوده است.

همزمان با طرح مسئله «ولایت فقیه» و «حکومت اسلامی» در سال ۴۸، نخبگان  
حوزوی و دانشگاهی در مظان خطاب و دعوت عمومی رهبر کبیر انقلاب اسلامی - با  
موضوع تأمل پیرامون ابعاد فکری و اجرایی حکومت اسلامی - قرار گرفتند.<sup>۲</sup> امام  
خمینی نخستین بار در ضمن سلسله‌درس‌های خویش، نسل حاضر و نسل آینده را  
به تفکر پیرامون مسئله «ولایت فقیه» دعوت کرد و چنین فرمود:

ما اصل موضوع را طرح کردیم و لازم است نسل حاضر و نسل  
آینده در اطراف آن بحث و فکر نمایند؛ و راه به دست آوردن آن را

۱. خصوصاً اعضای نهضت آزادی مانند دکتر ابراهیم یزدی که در خاطراتش تلاش کرده ایده «جمهوری  
اسلامی» را محصول افکار خویش معرفی کند که در دوران حضور امام در پاریس به ایشان القاء با انتقال یافته  
است. مدعی جناب آقای یزدی در نوشتاری نسبتاً تفصیلی و مستقل به نقد و بررسی گذاشته شده است. برای  
اطلاع بیشتر در این زمینه رک: سهراب مقدمی شهیدانی (به کوشش)، نخستین پیش‌نویس قانون اساسی  
جمهوری اسلامی ایران، تهران، بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۹۶.

۲. با مرور تصریحات امام خمینی در مورد دعوت عمومی از نخبگان حوزوی و دانشگاهی به منظور تبیین  
ابعاد حکومت دینی، این نتیجه به دست می‌آید که قانون اساسی و دولت‌سازی در عصر پیروزی انقلاب  
اسلامی، کاملاً خود آگاه و از پیش برنامه‌ریزی شده و مهم‌تر از همه، اصیل و بومی بوده است و نه تقلیدی و  
وارداتی! بر عکس اتفاق تلخی که در دوران پس از پیروزی نهضت مشروطه به وقوع پیوست و به مصادره  
نهضت به دست نیروهای غیر اصیل و وابسته، منجر شد. صد البته زمینه‌سازی برای تکرار تجربه مشروطه  
از سوی برخی روشنفکران ایرانی نیز صورت پذیرفت اما هوشمندی و حضور بهنگام شخصیت‌های علمی  
اصیل و عنصر رهبری و روشنگری عمومی، موجب حراست انقلاب و پیش‌گیری از تکرار تجربه تلخ مصادره  
و تحریف نهضت شد.





انتشار درس‌نامه «ولایت فقیه»  
تحرك پردامنه‌ای را در میان  
مبارزان مسلمان پدید آورد و برای  
نخستین بار، نسخه‌ای ایجابی برای  
نظام جایگزین ارایه کرد و از این  
منظر، آن را می‌توان نقطه عطف  
مبارزات نهضت امام برشمرد

پیدا کنند. سستی، سردی و یأس را از خود دور  
نمایند و ان‌شاءالله تعالی کیفیت تشکیل و سایر  
متفرعات آن را با مشورت و تبادل نظر به دست  
بیاورند.<sup>۱</sup>

ایشان همچنین بعد از انتشار درس گفتارهای  
«ولایت فقیه»، این دعوت را بارها تکرار کرد

تا مسئله «حکومت اسلامی» به یک جریان اجتماعی-فکری در محافل تخصصی  
و عمومی بدل گردد. از جمله در نخستین رهنمودنامه‌های مکتوب امام با موضوع  
دعوت به مطالعه پیرامون «حکومت اسلامی»، خطاب به دانشجویان ایرانی مقیم  
اروپا چنین آمده است:

باید کوشش کرد و پرده از تبلیغات مسموم چند صد ساله اجانب  
برداشت. شما نسل جوان موظف هستید غرب زده‌ها را از خواب  
بیدار کنید و فجایع حکومت‌های ضد انسانی آنها و عمال آنها را بر ملا  
نمایید و طرز حکومت اسلام را که مع‌الأسف بسیار عمر کوتاهی  
داشت و در همان چند صباح، راه و روش اسلام را در ولایت و والی  
روشن کرد به جوامع عموماً و به فرزندان اسلام خصوصاً گوشزد کنید  
و صفوف خود را فشرده‌تر سازید.<sup>۲</sup>

امام خمینی در پیام دیگری خطاب به دانشجویان مسلمان مقیم امریکا و کانادا،  
آنان را به کوشش و اهتمام در جهت پیاده سازی «طرح حکومت اسلامی» و «بررسی  
مسائل آن» دعوت کرده، چنین فرمود:

بر شما جوانان ارزنده اسلام- که مایه امید مسلمین هستید- لازم  
می‌باشد که... در شناسایی اسلام بیشتر جدیت کنید، تعالیم مقدسه  
قرآن را بیاموزید و به کار بندید، با کمال اخلاص در نشر و تبلیغ  
و معرفی اسلام به ملل دیگر و پیشبرد آرمان‌های بزرگ اسلام  
بکوشید. برای پیاده کردن طرح حکومت اسلامی و بررسی مسائل

۱. سید روح‌الله خمینی، ولایت فقیه، حکومت اسلامی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)،  
ص ۱۰۶.

۲. سید حمید روحانی، همان، جلد دوم، ص ۷۳۹. نامه‌ای به تاریخ ۲۷ تیرماه ۱۳۴۹.

آن اهتمام بیشتری به خرج دهید.<sup>۱</sup>

همچنین امام در پیام دیگری خطاب به ملت و علما و روحانیون ایران، بار دیگر همگان را به تحقیق پیرامون حکومت اسلامی دعوت کرد و چنین فرمود:

تعلیمات اسلام را نصب‌العین قرار دهید... و احکام اسلام و کیفیت حکومت اسلامی را تحقیق و نصب‌العین خود قرار دهید، و ناآگاهان را آگاه نمایید. باشد که خداوند قهار اساس این ظلم را برچیند.<sup>۲</sup>

دعوت همگانی امام از قشرهای مختلف برای تفکر پیرامون ابعاد «حکومت اسلامی»، در تمام ایام مبارزه ادامه یافت و در موارد مختلف به عنوان یک مطالبه جدی و ثابت، مطرح می‌شد. به عنوان نمونه امام خمینی در پیامی به تبیین وظایف و روشنفکران مسلمان در قبال نهضت اسلامی می‌پردازد و در بخشی از این پیام، از دانشجویان ایرانی برای تحقیق و تفکر پیرامون «حکومت اسلامی» دعوت به عمل می‌آورد. در بخشی از پیام امام چنین می‌خوانیم:

اکنون بر شما جوانان روشنفکر و بر تمام طبقات ملت است که: سرلوحه هدفان اسلام و احکام عدالت پرور آن باشد؛ و ناچار بدون حکومت اسلامی عدالت خواه، رسیدن به این هدف محال است. تولا و تبرا دو اصل اساسی اسلام است: باید با حکومت عدل موافق و به حاکم عادل دل ببندید؛ و از رژیم غیر اسلام و غیر اسلامی که در رأس آن رژیم منحط پهلوی است تبرا کنید؛ و با کمال صراحت مخالفت خود را اظهار و در سرنگون کردن آن کوشا باشید و در غیر این صورت روی استقلال و آزادی را نمی‌بینید... باید جوانان روحانی و دانشگاهی قسمتی از وقت را صرف کنند در شناخت اصول اساسی اسلام که در رأس آن توحید و عدل و شناخت انبیای بزرگ، پایه‌گذاران عدالت و آزادی است، از ابراهیم خلیل تا رسول خاتم - صلی الله علیه و آله و علیهم اجمعین - و در شناخت طرز تفکر آنها از نقطه اقصای معنویت و توحید تا تنظیم جامعه و نوع حکومت و شرایط امام و اولی الامر و طبقات دیگر، از امرا و ولات و قضات و فرهنگیان که علما هستند و متصدیان مالیات اسلامی و شرایط آنها

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ۴۴۰، در تاریخ ۱۷ مرداد ۱۳۵۱.

۲. همان، ص ۴۵۲-۴۵۳، به تاریخ ۲۰ شهریور ۱۳۵۱.





بعد از انتشار جزوه‌های ولایت فقیه، و پس از دعوت امام از جامعه نخبگانی برای تأمل پیرامون ابعاد حکومت دینی، موضوع تعیین نوعی حکومت در محافل حوزوی مبارزاتی به طور جدی مورد مباحثه و مذاقه علمی قرار گرفت

تا برسد به شرطه و کارمندان شهربانی؛ و ببینند اسلام چه کسانی را برای حکومت و کارمندان آن به رسمیت شناخته و چه کسانی از شغل حکومت و شاخه‌های آن مطرود است... باید برنامه و نشریات همه جناح‌ها بدون ابهام متکی به اسلام و حکومت اسلامی باشد... لازم است فعالیت‌های اسلامی و نشریات شما در ایران خصوصاً حوزه علمیه زنده قم و دانشگاه‌های بیدار، نشر و منعکس گردد تا قشر داخل و خارج به پشتیبانی هم دلگرم و با هم، هم صدا شوند و به همکاری با هم برخیزند.<sup>۱</sup>

## ۲. آیت‌الله سید مصطفی خمینی و مسئله ولایت فقیه

آیت‌الله سید مصطفی خمینی از نخستین مجتهدانی است که به موازات مطرح شدن مسئله «ولایت فقیه» توسط امام خمینی (ره)، به دعوت نخبگانی و همگانی امام لیبیک گفت، و به بسط و تأمل پیرامون «حکومت و ولایت فقیهان» پرداخت. حاصل تأملات فکری ایشان در برخی آثار وی مندرج است که از جمله می‌توان به رساله «الإسلام والحکومه»<sup>۲</sup> و مباحث «ولایت فقیه» ایشان در ضمن کتاب البیع اشاره کرد. «ولایت الفقیه» عنوان مجموعه‌ای از مباحث آیت‌الله سید مصطفی خمینی پیرامون «ولایت فقیه» است که در ضمن مباحث کتاب البیع ایشان آمده بود و بعداً از آثار دست‌نوشته‌های مرحوم آقا مصطفی خمینی استنساخ شده است.<sup>۳</sup> این رساله نخستین بار در سال ۱۳۷۶، به زبان عربی و بالغ بر ۸۰ صفحه، در کتابی با عنوان

۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ۳۲۸-۳۲۴، ۲۴ بهمن ۱۳۵۶) خطاب به انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا.

۲. این رساله به طور مستقل منتشر نشده و اثری از آن نیست اما در برخی مقالات علمی که در نشریات وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی منتشر شده‌اند، از این رساله نام برده شده و به نسخه خطی آن ارجاع داده شده است. برای نمونه رک: محمدصادق مزینانی، «دیدگاه‌های شهید مصطفی خمینی درباره ولایت و حکومت اسلامی»، حضور، ش ۲۱، پاییز ۱۳۷۶، ص ۱۲۵-۹۶. گفتنی است این مقاله به همین عنوان و با همان محتوا در مجله حوزه، مرداد و شهریور-مهر و آبان ۱۳۷۶، شماره ۸۱ و ۸۲، منتشر شده است.

۳. این رساله توسط جناب حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمد سجادی از شاگردان آیت‌الله سید مصطفی خمینی در نجف استنساخ شده، که بعد از حضور در ایران زحمات زیادی در جهت احیای آثار استاد متحمل شده است. با تأسف فراوان بخش‌هایی از مباحث ولایت فقیه آقا مصطفی از دست رفته است.

امام خمینی نخستین بار در ضمن سلسله درس‌های خویش، نسل حاضر و نسل آینده را به تفکر پیرامون مسئله «ولایت فقیه» دعوت کرد

ثلاث رسائل، توسط مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی به چاپ رسید.<sup>۱</sup> همچنین این متن در کتاب رسائل فی ولایه الفقیه در سال ۱۳۸۲ به کوشش محمد کاظم رحمان ستایش توسط دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم منتشر شده و البته به صورت مستقل نیز در نرم‌افزار جامع فقه اهل بیت (ع) قرار داده شده است.

رساله «ولایت فقیه» آیت‌الله سید مصطفی خمینی در چهلمین سالگرد شهادت ایشان برای نخستین بار به زبان فارسی ترجمه شده و به زودی در اختیار عموم مخاطبان قرار می‌گیرد. این رساله از جهت تنوع و تعدد ادله موافقان و منکران «ولایت سیاسی فقها در عصر غیبت» و «اثبات و انکار ضرورت حکومت دینی توسط ولی فقیه» اثری کم‌نظیر است و بر اساس شواهد موجود، به دنبال طرح مسئله «ولایت فقیه» توسط امام خمینی، و برای بسط این نظریه به تحریر درآمده است.<sup>۲</sup>

گرچه این رساله سال‌ها در دسترس همگان بوده است اما به دلیل عدم اطلاع‌رسانی بایسته، از سوی محققان عرصه «فقه سیاسی» به این رساله مهم و گران‌سنگ، توجه شایانی نشده است. این کم‌توجهی در فقدان ارعاعات علمی به این اثر، یا در نبود مقالات توصیفی مرتبط (جز برخی موارد محدود)<sup>۳</sup> و همچنین به واسطه عدم بازتاب در برخی موسوعه‌های مربوطه، قابل مشاهده است.<sup>۴</sup> متأسفانه

۱. در سال ۸۵ چاپ دوم این رساله نیز وارد بازار نشر شده است.

۲. در بخش پایانی کتاب، در ذیل عنوان «پیشینه بحث ولایت فقیه در نهضت امام خمینی»، مستندات و تاریخچه مسئله مزبور به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است.

۳. گفتنی است طبق تتبع نسبتاً تام نگارنده، تنها دو مقاله نسبتاً تفصیلی در معرفی اندیشه‌های سیاسی آیت‌الله سید مصطفی خمینی (با محوریت رساله ولایت فقیه) منتشر شده است که البته امری قابل تقدیر است. برای مطالعه این دو مقاله رک:

الف. محمدصادق مزینانی، «دیدگاه‌های شهید مصطفی خمینی درباره ولایت و حکومت اسلامی»، حوزه، مرداد و شهریور - مهر و آبان ۱۳۷۶، ش ۸۱ و ۸۲. گفتنی است این مقاله بار دیگر به همین عنوان و با همین محتوا در (مجله حضور، ش ۲۱، پاییز ۱۳۷۶، ص ۱۲۵-۹۶) منتشر شده است.

ب. یعقوب علی برچی، ولایت فقیه در اندیشه فقیهان؛ شهید مصطفی خمینی و ولایت فقیه، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۵.

۴. چنان که به عنوان مثال، در کتاب رسائل سیاسی - اسلامی دوره پهلوی به قلم محقق محترم جناب آقای رسول جعفریان، اسمی از این رساله به میان نیامده است، با آن که جناب ایشان در مقام تجمیع تولیدات مرتبط با مقوله سیاست‌ورزی دین‌مدارانه و مطالب مرتبط با حکومت اسلامی بوده‌اند و در حالی که رساله ولایت فقیه آیت‌الله سید مصطفی خمینی نخستین بار در سال ۷۶ و دومین بار در سال ۸۲ چاپ شده بود.

رک: رسول جعفریان، رسائل سیاسی - اسلامی دوره پهلوی، (مجموعه دو جلدی در ۱۷۴۴ صفحه)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴.



مدخل‌های دانشنامه‌ای نیز در این جهت گرفتار نقصان است و نوعاً به اندیشه سیاسی و حکومتی آیت‌الله سید مصطفی خمینی توجهی نداشته است.<sup>۱</sup> چه بسا یکی از دلایل عدم توجه محافل علمی حوزوی و دانشگاهی به این اثر، عدم ترجمه آن به زبان فارسی بوده باشد. این مسئله بیش از پیش ضرورت ترجمه اثر مزبور را نشان می‌دهد.<sup>۲</sup>

۱. برای اطلاع دقیق از مسئله، مراجعه کنید به مدخل «خمینی، روح‌الله» در *دایره‌المعارف بزرگ اسلامی* و مدخل «خمینی، سید مصطفی» در *دایره‌المعارف تشیع* که در هر دو دانشنامه مشهور ایرانی، به اندیشه سیاسی آقا مصطفی نپرداخته‌اند. نواقص موجود در مدخل نخست تفصیلاً در اثری مستقل بیان شده است. برای اطلاع تفصیلی، رک: سهراب مقدمی شهیدانی و میثم عبداللهی چیرانی، «نقدی بر مدخل خمینی، روح‌الله در *دایره‌المعارف بزرگ اسلامی*»، تهران، بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۹۵، ص ۱۷۱-۱۶۲. همچنین مقاله «خوانش انتقادی بازتاب زندگی و زمانه آیت‌الله سید مصطفی خمینی، در دو دایره‌المعارف مشهور ایرانی» که در آن به ذکر اشکالات وارده بر مداخل در مورد شخصیت و اندیشه سیاسی آیت‌الله سید مصطفی خمینی پرداخته شده است.

گفتنی آن که مدخل نخست به قلم قائم‌مقام مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام نوشته شده و با توجه به اطلاع تفصیلی ایشان از آثار آیت‌الله سید مصطفی خمینی (چه این که اکثر این آثار و از جمله رساله ولایت فقیه، توسط همان مؤسسه منتشر شده)، انتظار می‌رفت گزارشی در خور در زمینه اندیشه حکومتی و سیاسی آن شهید و معرفی این رساله مهم، ارایه گردد که شوربختانه چنین نشده و تنها به ذکر نام این رساله مهم بسنده شده است. (رک: *دایره‌المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۲۲، ص ۷۵۸) بحث ولایت فقیه آقا سید مصطفی، در زمان غربت امام خمینی در دوران مبارزه و در لیبیک به دعوت ایشان نوشته شده و نمادی از حضور فعال آیت‌الله سید مصطفی خمینی در عرصه مبارزات سیاسی و تکاپوی تئوریک در جهت تحقق حکومت دینی تلقی می‌شود و از این جهت جا داشت که در مدخل مربوط به آن شخصیت مبارز، به طور شاخص مورد توجه قرار می‌گرفت.

در مدخل «سید مصطفی مصطفوی خمینی» در *دایره‌المعارف تشیع* نیز رساله ولایت فقیه مورد بی‌مهری کامل قرار گرفته و نویسندگان این مدخل (عمادالدین باقی)، به رغم اشاره به نام دو رساله «العوائد و الفوائد» و «دروس الاعلام و نقدها» که به همراه رساله «ولایت فقیه» در یک مجلد چاپ شده، هیچ اشاره‌ای به نام این رساله ننموده است که بسیار تعجب‌برانگیز و تأسف بار است. رک: *دایره‌المعارف تشیع*، ج ۷، ص ۲۸۰.

۲. عواملی از این دست موجب شد که این رساله در چهل‌مین سالگرد شهادت مؤلفش، برای نخستین بار به زبان فارسی ترجمه شود و اکنون به همراه تعلیقه‌ها و تحقیقات نسبتاً تفصیلی آماده طبع شده است. گفتنی آن که ترجمه این رساله بر مبنای متن متخذ از منبع دوم (رسائل فی ولایة الفقیه) صورت پذیرفته است، اگرچه در مرحله تعلیقه‌نویسی ناگزیر تحقیقات مندرج در ذیل هر دو متن ملاحظه گردیده است. شایان ذکر است که دو متن در بخش تحقیقات، تفاوت خاصی با یکدیگر نداشتند. بر اساس بررسی‌های مقایسه‌ای، مشخص گردید که جناب آقای رحمان ستایش - جز در برخی موارد معدود - تحقیقات خاصی در ذیل مباحث نداشته‌اند و تنها به نگارش مقدمه‌ای مختصر بسنده کرده‌اند. شهادت آن که در فصل دوم رساله، ذیل بحث «ما للحاکم الشرعی من الولایة فی أطوار الفقه» در بخش تحقیق هر دو متن (چه متن منتشر شده توسط مؤسسه تنظیم و نشر و چه متن مندرج در کتاب *رسائل فی ولایة الفقیه*، ص ۷۵۱) به کتاب *بلغة الفقیه*، ج ۳، ص ۲۳۴، ارجاع داده شده است؛ حال آن که طبق تحقیق، مشخص شد که این متن مربوط به کتاب مذکور نبوده، بلکه مربوط به کتاب *العناوین الفقهیه* است که نشانی کامل در جای خود در همین ترجمه ذکر گردیده است. همچنین در ذیل بحث «الدلیل العقلی للمسأله» پاورقی شماره ۱، در متن اصلی، به نحو مطلق و بدون ذکر شناسنامه دقیق و تعیین چاپ قدیم یا جدید به کتاب *تذکره الفقهاء* ارجاع داده شده است. و نیز در بحث «الدلیل العقلی للمسأله» ذیل «حول عویصه فی مسأله جعل الولایة العامه عقلاً» هر دو متن در ارجاع به اثر اصولی مؤلف شهید «*تحریرات فی الاصول*»، ج ۲، ص ۳۴-۳۰، اشتباه صورت گرفته که ارجاعات دقیق با توضیحات مربوطه در جای خود بیان شده است.



آیت‌الله سید مصطفی خمینی از نخستین مجتهدانی است که به موازات مطرح شدن مسئله «ولایت فقیه» توسط امام خمینی (ره)، به دعوت نخبگانی و همگانی امام لیبیک گفت، و به بسط و تأمل پیرامون «حکومت و ولایت فقیهان» پرداخت

رساله «ولایت فقیه» شامل یک «تمهید»، دو مقدمه، و نه «جهت» است. عمده مباحث غیر لفظی مربوط به ضرورت تشکیل حکومت اسلامی و ولایت فقیه، در بخش مقدمات آمده است. آیت‌الله سید مصطفی خمینی در بخش‌های مقدماتی این رساله گذشته از استدلال‌های عقلی، در ضمن یک سلسله مباحث

تحلیلی از کارکردهای رسالت و نبوت و تحلیل ماهوی قوانین اسلامی سخن به میان می‌آورد و به برخی شبهات در این باب پاسخ می‌گوید. آنگاه مؤلف در «جهت اول»، پیرامون دلیل لفظی در مسئله ولایت فقیه سخن گفته و به دسته‌بندی و بررسی آیات و روایات مربوطه پرداخته است. موضوع «جهت دوم»، اجامعات منقول و محصل در ولایت فقیه است. «جهت سوم» به موضوع خراجات و مالیات اسلامی و ارتباط آن با ضرورت تشکیل حکومت اسلامی اختصاص دارد. در «جهت چهارم» اقسام ولایت اعتباری و حیطة اختیارات فقیه مورد بررسی قرار می‌گیرد و نویسنده در «جهت پنجم» به ارزیابی علمی روایات دال بر اختصاص حکومت و بیعت به ائمه (ع)، و به نقض و ابرام سندی و دلالتی روایات مربوط به ممنوعیت تشکیل حکومت دینی در عصر غیبت می‌پردازد. مؤلف در «جهت ششم» شرایط حاکم اسلامی را بحث کرده و در «جهت هفتم» به بحث از امور مورد تردید در حیطة اختیارات فقیه پرداخته است. «جهت هشتم» به شرایط تصدی زعامت و «جهت نهم» به بررسی وقوع تراحم بین ولایت فقیه حاکم با ولایت سایر فقیهان اختصاص یافته است.

### ۳. امتیازات رساله ولایت فقیه آیت‌الله سید مصطفی خمینی

از جمله امتیازات این اثر به شرح ذیل است:

۱. مؤلف تمام اهتمام خویش را به کار گرفته تا هر آنچه از منابع چهارگانه استنباط (کتاب، سنت، عقل و اجماع)<sup>۱</sup> که امکان استدلال به آن در اثبات ولایت فقیه وجود دارد را در سلسله بحث‌های خویش به کار بندد. لذا این رساله به رغم ایجاز و اختصار،

۱. ادله مورد توجه مؤلف را نمی‌توان به همین منابع چهارگانه محدود کرد، چه اینکه ایشان گاه از قواعد فقهی و گاه از تحلیل‌های تاریخی و تفسیر خاص از سیره انبیاء و ائمه هدی (ع) یا حتی مباحث زبان‌شناختی و... نیز استفاده جسته است.





آیت‌الله سید مصطفی خمینی از جمله فقهای است که به نحو نسبتاً تفصیلی به تبیین مسئله «تزام فقها با ولی فقیه» پرداخته و بر این باور است که بعد از تشکیل حکومت و بر عهده گرفتن رهبری و تصدی اداره کشور، در مصالح و مفساد فقط باید از ولی فقیه تبعیت کرد

در برگیرنده شمار زیادی از ادله قرآنی، روایی، عقلی و عقلایی برای اثبات ولایت فقیه و ضرورت تشکیل حکومت توسط ولی فقیه است.

۲. نویسنده با وسعت مشربی مثال زدنی و ستودنی، بهترین تقریر را از ادله و شبهات مخالفان ولایت سیاسی فقها، ارایه کرده و در ضمن مباحث خویش بدان پاسخ گفته و البته در موارد معدودی، از اظهار نظر قطعی خودداری

کرده و مخاطب را به تدبیر و تفکر در آن مسئله دعوت نموده است.

۳. تقسیم‌بندی رتبی ادله و باب‌بندی مباحث و عنوان‌گذاری‌های ابتکاری، از جمله امتیازات این اثر است که شاکله تازه‌ای به مباحث مربوط به «ولایت فقیه» داده است. بیان اقسام ولایت اعتباری (ولایت اختیاری، ولایت غیر اختیاری، ولایت عامه مطلقه و ولایت عامه مقیده) و همچنین بازشماری وظایف و اختیارات فقهی حاکم شرعی (ولی فقیه)، از جمله نکات ممتاز این رساله است.

۴. مؤلف با نگاهی تیزبینانه و کلان‌نگر به همه ابواب فقه از یک سو و نیز با تحلیلی جامع و عمیق به مناسبات اجتماعی و ملزومات حیات بشری، تلاش کرده ضرورت حکومت و لزوم تصدی‌گری سیاسی - حاکمیتی فقیهان را اثبات نماید و از همین حیث، او با نگاهی فراتر از منتقدان ولایت فقیه، تلاش کرده ساحت بحث خویش را در ادله لفظی منحصر ننماید. گرچه در هنگامه بحث روایی به صورت کاملاً فنی، جهات صدوری، سندی، درایه‌ای و دلالی روایات شریفه (در موافقت یا مخالفت با ولایت فقیه) را بررسی کرده است.

۵. آیت‌الله سید مصطفی خمینی از جمله فقهای است که به نحو نسبتاً تفصیلی به تبیین مسئله «تزام فقها با ولی فقیه» پرداخته و بر این باور است که بعد از تشکیل حکومت و بر عهده گرفتن رهبری و تصدی اداره کشور، در مصالح و مفساد فقط باید از ولی فقیه تبعیت کرد. ایشان حق دخالت در امور - به صورتی که موجب تضعیف حکومت اسلامی شود - را بر سایر فقیهان جایز نمی‌داند. به نظر وی، اجرای حدود و گرفتن مالیات هم برای آنها جایز نیست؛ چون این امور از اختیارات حاکم و والی است و مراد از حاکم در اینجا، حاکم در «مقبوله عمر بن حنظله» نیست؛ چون در این روایت، موضوع تعیین تکلیف حکم کردن بین دو فرد در یک نزاع شخصی و جزئی

از جمله امتیازات رساله «ولایت فقیه» سید مصطفی خمینی، استدلال به آیات قرآن کریم برای اثبات ولایت فقیه است

است ولی در بحث مالیاتی و حدود، مراد حاکم مبسوط‌الید است نه حاکم بدون قدرت.

همچنین در موضوع قضاوت - در فرض تشکیل حکومت - نیز ایشان بر این باور است که

دلیلی بر اعتبار حکم او وجود ندارد. لذا عدم جواز تراحم فقیه غیر حاکم با ولی فقیه، نسبت به موضوع قضاوت و پایان بخشیدن به نزاع‌ها هم جاری است؛ چون در فرض تشکیل حکومت، دلیلی بر اعتبار حکم او وجود ندارد. پس بر دیگران نیز واجب است که در نظر و عقیده از او تبعیت کنند؛ مگر در اموری که به تخلف از حکومت و تضعیف آن منجر نشود. ایشان برای این مدعا دو دلیل ذکر می‌کند:

۱. دلیلی نداریم که به اطلاق آن برای جواز تصدی فقیه غیر حاکم،

در صورت وجود ولی فقیه، دلالت داشته باشد.

۲. در حکومت‌های عرفی نیز چنین است که با وجود حاکم

مبسوط‌الید، در حکومت مرکزی، در عرض او کسی در امور حکومتی

دخالت نمی‌کند. بله؛ در صورتی که ولی فقیه از وظایف خود تخلف

کند، ناگزیر از ولایت ساقط است و در صورت امکان بر دیگران لازم

است که او را از حکومت منع کرده و دیگری را نصب یا خودشان

مسئولیت را بر عهده بگیرند.

۶. مرحوم شهید سید مصطفی خمینی اجتهاد، عدالت، سیاستمداری، آگاهی به

اوضاع زمانه و توانمندی در تشخیص مصالح و تنظیم امور را از جمله شرایط حاکم

اسلامی بر شمرده است؛ گرچه همه فقها در خلال بحث «ولایت فقیه» متعرض این

بحث نشده‌اند.

۷. مؤلف شهید در بخش ادله لفظی، مجموعاً به ۲۲ روایت استدلال کرده است

که ۱۵ روایت آن با کتاب *عوائد الایام* مرحوم نراقی مشترک است؛ با این تفاوت

که مرحوم نراقی بر خلاف مرحوم سید مصطفی خمینی به بررسی دلالتی و سندی

روایات نپرداخته است.

۸. از جمله امتیازات رساله «ولایت فقیه» سید مصطفی خمینی، استدلال به آیات

قرآن کریم برای اثبات ولایت فقیه است؛ حال آن که در سایر آثار متقدم و متأخر،

چنین رویه‌ای مشاهده نمی‌شود و اکثر قریب به اتفاق فقها، در مقام طرح ادله نقلی

ولایت فقیه، به تمسک به آیات قرآن نپرداخته‌اند لذا از این جهت رساله حاضر

اثری ممتاز است.

گفتنی آن که گرچه برخی از فقهای دیگر نیز مانند آیت‌الله سید مصطفی خمینی مستقیماً و به عنوان دلیل مستقل، به برخی آیات استدلال کرده‌اند و برخی دیگر نیز به نحو استطرادی و غیر مستقیم، گاه از آیات قرآنی نیز استفاده کرده‌اند، که بررسی تطبیقی و تفصیلی این بحث، در خلال ترجمه ولایت فقیه آمده و ان شاء الله به زودی در اختیار مخاطبان ارجمند قرار خواهد گرفت.

